

2. روی بازار نوروزی



حالا را نمی‌گویم که فقط چند شب مانده به عید، اما از یک ماه یا شاید بیشتر کلمه «شب عیدی» در کوچه و بازار شنیده و گفته می‌شد. شب عیدی برای خود کلی نشان و شواهد در کوچه و خیابان دارد، پیاده‌روها را شلوغ، مغازه‌ها را پر ازدحام، خیابان‌ها را پرترافیک، کارتهای شتاب و دستگاه‌های پوز را کند و... کلی داستان دارد این شب عیدی.

حالا را نمی‌گویم که فقط چند شب مانده به عید، اما از یک ماه یا شاید بیشتر کلمه «شب عیدی» در کوچه و بازار شنیده و گفته می‌شد. شب عیدی برای خود کلی نشان و شواهد در کوچه و خیابان دارد، پیاده‌روها را شلوغ، مغازه‌ها را پر ازدحام، خیابان‌ها را پرترافیک، کارتهای شتاب و دستگاه‌های پوز را کند و... کلی داستان دارد این شب عیدی. ما هم هیچ نفهمیدیم این شب عیدی واقعا چند شب است؟! خیلی‌ها اما روی این شب - که یک ماه تا یک ماه و نیم طول می‌کشد - کلی حساب باز کرده‌اند. حتی برخی حساب یک سال خود را روی همین چند شب می‌بندند. شادی شب عید برای خیلی‌ها دوصد چندان است. فروشندگان را می‌گویم.

مشاغل پروتق

آرایشگاه؛ سرم را سرسری متراش ای استاد سلمانی... نمی‌شود بی اصلاح موی سر و صورت رفت به استقبال سال نو. آرایشگاه‌ها چه زنانه و چه مردانه حسابی سرشان شلوغ می‌شود در این شب‌های مانده به نوروز زیبای 1394؛ برای یک پیرایش خوب باید حتما با وقت قبلی مراجعه کرد. شاید آرایشگاه‌ها در طول سال هم چندان بی مشتری نباشند، اما در این ماه، یک بار و همه با هم می‌خواهند بروند و ظاهر و ریش خود را به قیچی استاد سلمانی بسپارند... و این که ما هم در دیار خود سری داریم و سامانی. این ادامه همان ضرب المثل اول پاراگراف است.

در صف پرو لباس و کفش؛ هر چند فروشنده‌ها همیشه از کساد بازار می‌نالند، اما حجم هجوم مشتریان به داخل مغازه‌ها گواه چیز دیگری است. این را که به یک فروشنده می‌گوییم، احم می‌کند و در پاسخ به مقایسه با سال‌های گذشته می‌پردازد. او در نهایت یک «نقطه» پایان جمله هر سال دریغ از پارسال، می‌گذارد و می‌رود تا آخرین مدل کتان و جین را به مشتریان نشان دهد.

آنها که نمی‌خرند لطفا برند بیرون تا بقیه وارد شوند؛ فروشنده‌ای با صدای گرفته گفت. چند نفر پشت اتاق پرو به انتظار ایستاده‌اند. برچسب قیمت مقطوع! همه جای مغازه دیده می‌شود. چانه‌زنید چون فروشندگان از بس سرشان شلوغ است بی پاسخ می‌ماند. فکرش را هم نکنید که در این روزها برای خرید به بازار بزرگ بروید، کلافه‌کننده است. تنقلات، شیرینی و پسته‌های خندان؛ «با آجیل خونه مردم جوری برخورد کن که دوست داری با آجیل خونه خودتون رفتار بشه!» همه این روزها جملات واپیری را می‌خوانند و آن را برای هم به اشتراک می‌گذارند، این نیز یکی از همان جمله‌های طنزآمیز اما منظوردار است. یکی دو شب می‌ماند به عید، شیرینی‌فروشی‌ها و آجیلی‌ها صفی می‌شوند. قنادها کام مردم و مردم کام آنها را شیرین می‌کنند. این صنف را باید جزو پروتق‌ترین مشاغل در شب‌های عید به شمار آورد.

برق انداختن همه چیز؛ اما این تنها فروشندگان کالا و تنقلات نیستند که باید نام آنها را جزو مشاغل پروتق ثبت کرد، ارائه‌دهندگان خدمات نیز حسابی سرشان شلوغ است، قیمت‌ها را هم البته در این روزها بالا می‌کشند. با هر شرکتی که تماس بگیرید یا نیرو ندارند یا قیمت‌های آنها بالاتر از دیگر روزهای عادی سال است. همه می‌خواهند و البته باید همه چیز خانه‌شان برای نوروز برق بزند؛ حتی اگر تمام روزهای تعطیل را هم مسافرت باشند. علاوه بر این مردهای بسیاری را می‌بینی که بی‌مزد و مواجب از شیشه‌خانه‌هایشان آویزان شده مایع تمیزکننده می‌پاشند و دستمال بر شیشه می‌کشند، بعد از دستمال‌روان‌ها هم بکشید برق می‌اندازد حسابی! مبل و مبلمان؛ نمی‌شود همه چیز را از ضروریات عید محسوب کرد، اما گریزی ندارید وقتی برخی‌ها بخواهند و کلی توجیهات کنند، شما هم البته توجیه می‌شوید و به غیر از مغازه‌های کفش‌فروشی، پوشاک و از این دست سری هم به بازارهای دلاوران، خاوران، پانچار و... هم می‌زنید البته این موارد را نباید به روزهای آخر سال موکول کنید، چون آماده شدن آن زمان می‌خواهد.

بازار مبل و مبلمان و پرده هم شاهد حضور بی‌شمار خریداران خود در یکی دو ماه آخر سال است. فروشندگان نیز در یک رقابت خستگی‌ناپذیر به تبلیغ و معرفی آخرین مدل‌های خود می‌پردازند. آنها هر چه فنی‌تر سخن می‌گویند ما کمتر متوجه می‌شویم و تصورمان این است که حتما کالای با کیفیتی است با این توصیف‌هایی که می‌شود. قالیشویی؛ سریال نوروزی «دود کش» را به یاد دارید قالیشویی «مشتاق» با کمتر از یک قرن سابقه! ساخته محمدحسین لطیفی.

هر چند در دسرهای این خانواده تا حدی اغراق شده بود اما به همان اندازه یا شاید کمتر خانواده‌ها در این روز مشغله و دردسر دارند. فرش‌ها را باید حتما از زیر میز و پایه‌های مبل بکشی بیرون و «لول» تحویل بدهی به وانت قالیشویی، تا ببرد و بشورد و آن را لول به شما تحویل دهد. شویندگان فرش در این روزها هیچ نیازی به تبلیغ ندارند. بیشتر مردم نیازمند یافتن آنها و تحویل گرفتن بموقع فرش‌هایشان هستند. بیشتر اصناف عیدشان بیش از آغاز سال نو

شروع می شود و رونق در همه جاری می شود؛ مشاغل و اصنافی مانند چاپ، لوازم خانه و آشپزخانه، تبلیغات، رانندگان تاکسی و اتوبوس شهری و بین شهری و... .

پشت این ویترین خالی است!

اما شب عید چراغ همه مغازه ها را روشن نمی کند. برای برخی ها حتی کم سوتر از گذشته می شود. برای این مشاغل از شب عید چیزی نمی ماند جز همان ترافیک و ازدحام؛ نه این که خیلی هم ناراحت شوند آنها از این که دیگران خوشحال می شوند لذت می برند.

چیزی به نام لوازم التحریر و کتاب؛ عید یعنی تعطیلی و این برای هیچ کس مانند دانش آموزان شورانگیز نیست و نخواهد بود. نسل خودم را نمی گویم که مجبور بودیم از اول تا آخر کتاب فارسی را دو یا سه بار مشق بنویسیم. اما یکی از مشاغلی که چندان دخلشان از این روزها پر نمی شود لوازم التحریرها هستند حتی فروش کارت پستال از سوی آنها هم چندان جبران مافات نمی کند. کارت های تبریک و پستال امروزی هم مجازی شده اند. کتابفروشی ها هم بجز بخش کتاب های نفیس نیز از این قانون مستثنا نیستند. کتاب موجودی مظلوم است در روزگار ما. حالا که همه به عیدی می روند او بیش از پیش تنهاتر می شود.

لوازم اداری؛ شما هم انتظار ندارید که دوایر دولتی و غیردولتی برای عید تدارک ببینند و چیدمان اداری خود را دگرگون سازند. راسته خیابان حسن آباد در شب های عید کمتر از دیگر روزهای سال میزبان مشتریان خود هستند. البته آنها در این چند سال که رونق اقتصادی شیب نزولی داشت از نبود مشتری و فروش گله مند بودند.

فرار از درس و بحث؛ بسیاری از شیفتگان هنر نیز برنامه های آموزشی و فراگیری هنر خود را موکول می کنند به سال آینده؛ آنها از اکنون با خود عهد بسته اند که در سال جدید کلی با انجام کارهای مختلف، در زندگی خود تغییر ایجاد کنند. فراگیری زبان، یادگیری یک ساز، روی فرم آوردن بدن و... همین تصمیم و امروز و فردا کردن کلی به ضرر صاحبان آموزشگاه ها و مالکان باشگاه ها تمام می شود. این نوع مشاغل را هم باید در آخرین ماه سال، در فهرست مشاغل کم رونق ثبت کرد.

می شود به این فهرست مشاغل بیشتری افزود؛ البته همان اصناف پررونق نیز با اولین روز سال نو و شروع تعطیلی ها به کما فرو می روند و روزشماری برای مناسبت های دیگر مانند؛ آغاز مدارس، روز مادر و پدر و عشق را شروع می کنند. با این همه چراغ همه مغازه ها، اصناف، خیابان و خانه ها همیشه پرفروغ باد.

سامان عابری